

چالش‌های امنیتی ج.ا.ا از پیروزی انقلاب اسلامی تا حال حاضر (داخلی - خارجی)

● حسین امانیان*

چکیده

مقاله حاضر، چالش‌های امنیتی ایران را در سه سطح سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نگرش تلفیقی به نقد گذاشته و ضمن تفکیک میان معضل، مشکل، تهدید و بحران‌های امنیتی به مبانی نظری و تئوری امنیت پرداخته است.

نویسنده معتقد است که یکی از مشکلاتی که در امر آسیب‌شناسی امنیت وجود دارد، برخورد‌های متفاوت با هر سطح تحلیل می‌باشد یعنی گاه با مشکل چنان مقابله می‌کنیم که با «بحران» بایستی انجام داد. مقاله در ادامه به چالش‌های داخلی و خارجی ج.ا.ا. در دو مقطع زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ (پایان جنگ) و دوره ۱۳۶۷ تا عصر حاضر پرداخته و برای هر دوره‌ی زمانی، الگوهای تعارضی - امنیتی آن را با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی بیان می‌دارد.

چالش‌های امنیتی فراروی ایران از دیگر مقولات قابل بحث در این نوشتار می‌باشد. نویسنده معتقد است که اصولاً آسیب‌ها و چالش‌های آتی ایران را می‌توان در سه سطح تحلیل داخلی یعنی نخبگان، مردم و سرآمدان اجتماعی یا لایه میانی جست‌وجو نمود. مقاله در ادامه به بررسی هر یک از این سه سطح پرداخته و آسیب‌شناسی امنیتی آنها را در قالب انسداد دایره

نخبگان، عدم وحدت نظر نخبگان در باب مسایل مختلف از جمله توسعه، فقر و شکاف طبقاتی، بی‌تفاوتی سیاسی و حرکت‌های گریز از مرکز، فرار مغزها و بیکاری به نقد و بررسی گذاشته است.

مقدمه

در مورد امنیت و امنیت ملی، دیدگاهها و مکتوبات مختلفی به چاپ رسیده است، صرف نظر از تعریفها و شاخصهایی که هر یک از این صاحب نظران بدان اشاره نموده‌اند، آنچه اهمیت دارد، محیط امنیتی و داشتن یک فضای روانی حاکم بر یک سیستم سیاسی است. در این نوشتار سعی می‌کنیم در حوصله بحث حاضر، فهرست وار، چالشهای امنیتی ج.ا.ایران^۱ از گذشته تا حال را بیان کنیم و سپس به چالشهای فراروی آن، با عنایت به تغییر و تحولات منطقه‌ای و جهانی اشاره نماییم. در یک نگاه کلی، اصولاً مقوله امنیت در سه سطح قابل تحلیل است:

۱- سطح تحلیل نرم‌افزاری از امنیت، یعنی توجه به نهادهای اجتماعی، مدنی، توجه به زیرساختهای سیاسی و اجتماعی، قدرت پاسخگویی به تقاضا و در مجموع جامعه‌شناسی سیاسی.

۲- سطح تحلیل سخت‌افزاری از امنیت، یعنی تهاجم نظامی، گفتمان سلبی و منفی از

امنیت و...

۳- سطح تحلیل میان رشته‌ای، و تلفیقی از رویکردی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری از امنیت؛ یعنی تعامل میان این دو با یکدیگر که در نهایت به اقتدار امنیتی - اجتماعی و نظامی منتهی می‌گردد. [نگرش تلفیقی]

چالشهایی که در طول ۲۴ سال گذشته به ایران نگریسته شده است اغلب یک دیدگاه سخت‌افزاری و در نهایت میان رشته‌ای بوده است و کمتر به مقوله نرم‌افزاری امنیت در ایران توجه شده است بنابراین در این مقاله ابتدا نگاهی مختصر به تعریف تئوریک و مبانی امنیت، چالش، مشکل، تهدید و بحران گردیده و سپس چالشهای امنیتی داخلی و خارجی ایران را در دو مقطع زمانی؛ ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ و ۱۳۷۶ تا کنون را با دو سطح تحلیل نرم‌افزاری و میان رشته‌ای مورد نقد - بررسی قرار خواهیم داد.

واژه‌هایی چون امنیت، امنیت ملی، محیط امنیتی و... در علوم سیاسی دارای معنائی و تعابیر مختلفی است، از آنجایی که مقاله حاضر بیشتر به چالش‌های امنیتی توجه دارد، ناچار از تفکیک میان امنیت و امنیت ملی هستیم. در واژگان علوم سیاسی «امنیت» را به معنای تضمین ایمنی؛ یعنی قرارهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و وجود اطمینان به سلامت جان و مال و ناموس تعریف کرده‌اند.

اما «امنیت ملی» به حالتی گفته می‌شود که در آن مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خرابکارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرار گرفتن است، امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور؛ یعنی آمادگی برای مخاصمه به دلیل بازداشتن آن یا دوری‌گزیدن از آن است.^۲

پس درک امنیتی، همواره با مشکلات خود محوری قومی، رئالیسم نظری، بنیادگرایی ایدئولوژیکی و تقلیل‌گرایی به معنی تبدیل شدن پدیده‌های ذهنی به اصطلاحات ساده‌اندیشانه، همراه بوده است. کاربرد گسترده واژه «امنیت» در حوزه‌های گوناگون و تحت تأثیر قرار دادن آن در معادلات منافع، باعث گردیده است تا این مفهوم از دقت علمی لازم که نتیجه نگرش انتقادی است، کمتر بهره‌مند شود و از آن مفهومی توسعه نیافته مبهم، نارسا و جدال برانگیز، متباین و متناقض در آورد.^۳

از مجموع تعاریف فوق می‌توان این نتیجه را استخراج نمود که در تمامی آنها منظور از امنیت؛ به نوعی شمول این واژه در بُعد داخلی و خارجی یا به عبارت مناسب‌تر ذهنی و عینی است. بعد ذهنی معطوف به احساس امنیت بوده و اشعار ذهنی را بر وجود، ایمن می‌نمایاند و بعد عینی معطوف به نبود تهدید و خطر بیرونی و موجبی برای ایجاد مخاطره و ناامنی را مورد توجه قرار می‌دهد در هر صورت، در این بخش از تکرار مکررات در زمینه تعاریف مختلف امنیت و امنیت ملی پرهیز نموده و بیشتر به مباحث را کاربردی می‌پردازیم.

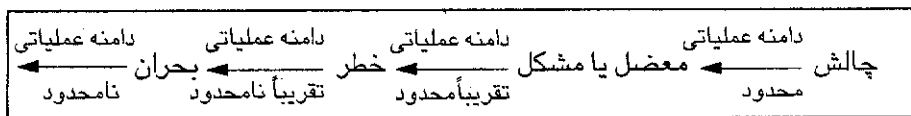
در کنار مسایل فوق، باید میان واژه‌هایی چون؛ چالش‌های امنیتی، تهدیدات امنیتی معضلات امنیتی، بحران‌های امنیتی و... نیز تفکیک قائل شد. اصولاً یکی از مشکلاتی که

۲۱۳ در مقوله «آسیب‌شناسی امنیتی» وجود دارد، عدم تفکیک و تمایز بین سطوح تحلیل می‌باشد. یعنی برخی از مسایل بیشتر جنبه نظری دارند و یا در سطوحی هستند که چالش آفرین نیستند، ولی در حد مشکل تلقی می‌شوند و برخی آسیب‌ها بیشتر جنبه نظری دارند و یا در سطوحی هستند که چالش آفرین نیستند، ولی در حد مشکل تلقی می‌شوند و برخی آسیب‌ها بیشتر جنبه داخلی دارند اما در عین حال از شدت چندانی برخوردار نیستند و برخی چالش‌ها به صورت تهدید نمایان می‌گردد که در نهایت سطح تحلیل «بحران» که نقطه اوج سه سطوح قبلی است، به ستیزه و درگیری می‌انجامد و می‌تواند فروپاشی اعم از سیاسی و اجتماعی را به دنبال خود آورد.

یکی از مشکلاتی که وجود دارد عدم تمایز بین این سطوح می‌باشد که با هر سطح، متناسب با آن برخورد نمی‌شود، یعنی؛ گاه با «مشکل» مقابله‌ای می‌شود که با «بحران» بایستی انجام داد و گاه با «بحران» چنان ساده برخورد می‌شود که در سطح یک «مشکل» تقلیل می‌یابد. از اینرو ابتدا باید موضع و دیدگاه خود را در مورد عنوان مقاله یعنی چالش‌های امنیتی در ج.ا.ایران تعیین نمود.

بیشتر صاحب نظران، «چالش» را به معنای حریف یا رقیب را به ستیزه فراخواندن و برانگیختن او به کاری که کاردانی و شایستگی خود را اثبات نماید، معنا کرده‌اند در این دیدگاه «چالش امنیتی» یک مقوله، تقریباً با نگاهی سخت‌افزاری و میان رشته‌ای نگریسته می‌شود. و بیشتر محیط امنیتی تحت تأثیر رقیب بیرونی است، در حالی که اصولاً دوره زمان‌بندی آسیب‌شناسی امنیتی، به ترتیب ذیل می‌باشد.

↓ محیط خارجی موثر



↑ محیط داخلی موثر

در هر صورت، با عنایت به موارد مذکور باید گفت که منظور ما از چالش‌های امنیتی [داخلی - خارجی] شامل معضله‌ها، خطر‌ها و تهدیدها و نیز بحران‌های امنیتی به طور

۲۱۴ همزمان است و با تلفیق میان چهار سطوح تحلیل فوق، به بررسی چالشهای امنیتی از بهمن ۱۳۵۷ تا کنون پرداخته و سپس نگاهی گذرا و کوتاه به چشم اندازهای امنیتی ایران در آینده می‌افکنیم. در ضمن لازم است تفکیکی دیگر نیز قائل شویم و آن هم دیدگاه سنت گرایان و نوگرایان از مقوله امنیت می‌باشد. اصولاً دو دیدگاه در مقوله امنیت و محیط امنیتی وجود دارد. یک دیدگاه با رویکردی سلبی به امنیت می‌نگرد و تحقق آن را در نبود عامل دیگر (تهدید) تعریف می‌کند؛ این دیدگاه بیشتر به زور و اجبار و در نهایت نیروی نظامی تأکید دارد؛ البته برخی در همین دسته - که به فراسنتی‌ها معروف هستند - با گفتمان چند بعدی به متغیرهای دیگر - غیر از نیروی نظامی - مانند؛ تحریم اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی و فرهنگی توجه نموده‌اند.^۴

در مقابل گفتمان سلبی^۵، دیدگاه دیگری وجود دارد که «گفتمان ایجابی»^۶ است که به جوهره و ماهیت امنیت توجه دارد. در این رویکرد، سیستم سیاسی توان پاسخ‌گویی به تقاضاها را داشته و براساس رضایت، منافع ملی را حفظ و نگهداری می‌کند. به عبارت دیگر، در گفتمان سلبی، محیط، صرفاً امنیتی است و به مقولاتی چون فرهنگ، اقتصاد و سیاست از دید امنیتی نگریسته می‌شود (سیاستهای انقباضی).

اما در گفتمان ایجابی، چه در مرحله استراتژی امنیتی و چه در سایر مراحل مانند برنامه‌ریزی امنیتی و یا سیاست امنیتی به مقوله‌های مختلف، صرفاً از جنبه‌ی نظامی و امنیتی نگریسته نشده و محیط بین‌الملل نیز مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین ما در این مقاله، از کلیه مبانی نظری مذکور، به صورت تلفیق استفاده کرده و با یک دیدگاه سلبی - ایجابی سعی نموده تا چالشهای امنیتی ج.ا.ایران را در دو مقطع زمانی ۱۳۵۷ - ۱۳۶۷ و ۱۳۶۷ تا کنون به نقد و بررسی بگذاریم.

چالشهای امنیتی ج.ا.ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ (پایان جنگ)

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، روند اسلام خواهی و گرایشهای مذهبی را گسترش داد و با چاشنی آرمان گرایی، به حرکتهای انقلابی خود وسعت بخشید. فضای ایدئولوژیک و آرمان گرایانه ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ که با وقوع جنگ تحمیلی نیز تشدید گردید، بر هیچ کس پوشیده نیست. این طفل نوپای [انقلاب]، علاوه بر تأثیرات داخلی، بر محیطهای امنیتی منطقه و نیز در سطح بین‌الملل مؤثر واقع شد؛ به طوری که اغلب،

چالش‌های امنیتی ج.ا.ا از پیروزی انقلاب اسلامی تا حال حاضر (داخلی - خارجی)

چالش‌های داخلی آن تحت تأثیر محیط خارجی بود، زیرا اصولاً گفتمانهای امنیتی در ۲۱۵ متن هر جامعه‌ای که شکل می‌گیرد، کاملاً متأثر از داده‌هایی هستند که محیط داخلی و خارجی بر سیستم تحمیل می‌کند. از آنجایی که متغیرهای محیطی، خود بر طبیعتی دگرگون شونده استوار است و قاعده‌مندی خاص و ثابتی را در بازی قدرت بین خودپذیرا نیست؛ تبعاً ورودی‌های به سیستم، در نقشها، کارکردها و سیماهای گوناگون چهره می‌نماید و انطباق و همسویی ساختار کلی حاکم به سیستم را طلب می‌کند. از این منظر «امنیت» اساساً پدیده‌ای عصری است و تحت تأثیر زمان و فضای حاکم بر آن قرار می‌گیرد.

در چنین فضایی بود که گفتمان سلبی در محیط امنیتی ایران تقویت شد و با الگوی تعارض نظامی نیز تشدید گردید (نگاه سخت‌افزاری به امنیت)

در هر صورت می‌توان تهدیدها، چالشها، معضله‌ها و بحرانهای امنیتی این دوره - ۱۳۵۷ - ۱۳۶۷ - را به شرح ذیل بیان نمود.

۱. الگوی تعارضی و امنیتی اول در قالب شورشیهای قومی، گروههای سیاسی و ضد انقلاب

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش اپوزیسیون‌های داخلی و با هم‌نوایی اپوزیسیون‌های خارج از کشور و برخی از دولتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای شکافهای قومی و فرهنگی از حالت غیر متقاطع و غیر فعال، به شکافهای متقاطع و فعال مبدل گردید و همین عوامل چالشهای امنیتی جدی را برای ایران رقم زد.

شورشهای منطقه ترکمن صحرا^۷، اعراب در خوزستان، کردستان^۸، بلوچستان^۹ و برخی از مناطق دیگر آذربایجان، به تدریج باعث فعال شدن شکاف مذهبی [سنی و شیعه] نیز گردید.

مطالعات قوم‌شناسی در مناطق چهارگانه (کردستان - آذربایجان، بلوچستان و خوزستان) بیانگر دخالت عوامل بین‌الملل در سیاسی کردن روابط و علایق کهن؛ نظیر زبان و مذهب است. در حالی که تلاش برای شکل دادن به هویت قومی و گرایشهای محلی‌گرا، بیشتر در قلمرو اندیشه صورت می‌گیرد و با مقوله ناسیونالیستی عجین می‌گردد، از این رو تأکید بر وفاداری و تعهد نسبت به مبانی عقیدتی خاص؛ آن هم با

۲۱۶ توجه به تنوع و گستردگی گرایشهای مذهبی، سیاسی و فکری در ایران کنونی، می‌تواند برای وحدت ملی جامعه ایران زیانبار باشد. بنابراین، در این الگوی تعارض، کاهش قدرت ملی اساس و هدف قدرتهای بین‌المللی بود که با تهییج احساسات مذهبی و قومی سعی داشتند که از اقتدار انقلابی بکاهند. در کنار مسائل فوق، درگیریهای سیاسی و گروهی در مناطق امنیتی ایران مانند؛ فدائیان خلق، منافقین (مجاهدین) خلق، انقلابیون، گروه فرقان و... بر این مشکلات افزود.

درگیری و جدال میان انقلابیون پیروز و برخی از گروههای شبه نظامی باعث تشدید چالشهای امنیتی در این دوران شده بود که به دنبال آن ترور شخصیتهای سیاسی، درگیریهای خیابانی، عملیات تروریستی دیگر را در برداشت و به نوعی، محیط امنیتی ایران را به چالش جدی فراخوانده بود که به تدریج این فرایند، در پی اقتدار سیستم سیاسی و تبدیل شدن بسیاری از حرکت‌های انقلابی، به نهادهای اجتماعی مانند؛ سپاه، کمیته و بسیج، کم‌رنگ شد.

۲. الگوی تعارضی - امنیتی دوم: براندازی انقلاب اسلامی در چارچوب کودتا و عملیات نظامی

پس از کشمکشهای سیاسی گروهها در اوایل انقلاب اسلامی - که بیشتر چالشهای امنیتی را با رویکردی داخلی نمایان می‌نمود - تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان خط امام (ره)، بحرانهای امنیتی ایران را به سطح منطقه‌ای و بین‌الملل کشانید و پای آمریکا را نیز به طور آشکار به این قضایا باز کرد: تسخیر سفارت آمریکا که به تعبیر برخی‌ها «تبلور بحران در قالب یک نهاد اجتماعی»^{۱۰} بود ابعاد تازه‌تری از معضلات و تهدیدات امنیتی را برای ایران رقم زد. اختلاف درباره این موضوع که به چگونگی روابط ایران با ایالات متحده و به خصوص به مسأله گروگانهای آمریکایی، برخورد بین گروههای مختلف انقلابی را شتاب بخشید و در این زمان شاهد دو سطح امنیتی داخلی - خارجی به طور توأم می‌باشیم. گروههای میانه رو خواستار آزادی هر چه سریعتر گروگانها^{۱۱} بودند؛ اما انقلابیون ضمن مجازات آنها، خواستار عذرخواهی رسمی دولت آمریکا به سبب توطئه‌های مختلف علیه انقلاب؛ به ویژه پناه دادن شاه بودند. دولت بازرگان استعفا کرد و شورای انقلاب، کنترل امور را به عهده گرفت.

بنابراین اولین چالش امنیتی در سطح نخبگان را می‌توان در این امر مشاهده کرد که در ۲۱۷ نهایت؛ به پیروزی نیروهای انقلابی و طرد تدریجی نیروهای میانه رو - که عملاً با عزل بنی صدر مسجل گردید - منجر شد.^{۱۲}

در عرصه بین‌الملل، تمامی کشورها، به استثنای کره شمالی، لائوس، ویتنام و آلبانی که رسماً از ایران حمایت کردند. [در این میان تعداد اندکی از کشورها مانند پاکستان، سکوت اختیار نمودند] این اقدام دانشجویان را محکوم نمودند که به دنبال آن تحریمهای اقتصادی و بین‌المللی را به خود همراه آورد.

با به بن بست رسیدن مذاکرات دیپلماتیک در مورد آزادی گروگانها و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، الگوی تعارضی ایالت متحده از حالت نیمه نرم‌افزاری به رویکرد سخت‌افزاری تغییر ماهیت داد. قبلاً کودتاهای نافرجام کوچکی که علیه انقلاب اسلامی رخ داده بود، به علت عدم پشتیبانی و حمایت مالی و سیاسی عملاً به شکست انجامیده بود. کودتای نوژه^{۱۳} و نیز کودتای قطب‌زاده و... از جمله این موارد می‌باشد. به دنبال شکست کلیه عملیاتها، ایالات متحده تصمیم گرفت که با یک سلسله عملیات چریکی به نام «عملیات پنجه عقاب»، کلیه گروگانهای اسیر شده را آزاد نماید. عملیات در روزهای بیست و دوم و بیست و پنجم آوریل ۱۹۸۰ م. اتفاق افتاد؛ به علت طوفان طبس و سقوط چند فروند چرخبال‌های امریکا، دستور لغو عملیات صادر گردید.^{۱۴}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳. الگوی تعارضی - امنیتی در قالب جنگ

در شهریور ماه ۱۳۵۹، دولت عراق با دستور صدام حسین - رئیس جمهوری آن کشور - یک حمله همه جاتبه را در طول بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر از مرز مشترک با ایران آغاز کرد؛ جنگی که به مدت هشت سال - که در نوع خود از طولانی‌ترین جنگهای قرن بیستم محسوب می‌گردد - به طول انجامید. آنچه در این زمینه اهمیت دارد، علل و عوامل ایجاد جنگ نیست^{۱۵}؛ بلکه پیامدهای امنیتی و سیاسی این جنگ به مراتب حائز اهمیت بیشتری است. چرا که هم در ایدئولوژیک کردن فضای جامعه ایفای نقش نمود و هم به تدریج دیدگاه، سخت‌افزاری را در عرصه‌های فرهنگی، امنیتی و اجتماعی تشدید ساخت که به تعبیر برخی از کارشناسان علوم سیاسی؛ اصولاً جنگ‌ها باعث تثبیت انقلابها می‌گردد.

بروز جنگ، گر چه چالشهای امنیتی را به سمت و سوی مرزهای غربی کشاند، اما برخی گروهها و افراد از این فضای تیره و تار استفاده نموده و محیط ضد امنیتی جدیدی را برای ج.ا.ایران ایجاد کردند. نیروهای شورشی در کردستان به کمک عراقیها چالشهای جدی را به وجود آوردند. فرصت طلبان اقتصادی، با فضای عدم نظارت و کنترل دولت، اقدام به احتکار کالاها و مواد اساسی نمودند که به دنبال آن جامعه را در ورطه تورم و گرانی انداختند. دولت نیز علی رغم اتخاذ سیاستهای انقباضی و با اختصاص یارانههای مختلف، همچنان با کمبود مواد غذایی و گرانی مواجه بود. شکافهای طبقاتی و اقتصادی جدیدی در این دوران شکل گرفت که پیامدهای آن، تا سالهای پس از پایان جنگ نیز بر کشور سایه افکنده است.

چالشهای امنیتی از سال ۱۳۶۷ تا کنون

۱. الگوی تعارضی - امنیتی در قالب اصلاحات سیاسی و اقتصادی در یک جامعه در حال گذار

پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک فرایند اصلاح گرایانه، ابعاد و چالشهای سیاسی - اجتماعی مختلفی را در سطح داخلی و به تبع آن در سطح منطقه‌ای و جهانی بر جا گذاشت، بازتابهای انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه از جمله عراق، لبنان و فلسطین شکل عینی‌تری یافت و با گرتة برداری از مدل نظامی ایران، تحولات آتی منطقه خاورمیانه را دچار تحول ماهوی نمودند.

آثار انقلاب اسلامی در سطح داخلی نیز صرفاً در ساختار قدرت و نهادهای اجتماعی نمایان نگردید، بلکه ابعاد امنیتی و نظامی آن - که مدل بیشتر کشورهای منطقه خاورمیانه شد - نیز قابل بررسی بود. جامعه ایران تا قبل از پیروزی انقلاب، یک جامعه نیمه سنتی بود. با وقوع انقلاب ۵۷، تا حدودی روند مدرنتی شدن آن کند گردید و شکافهای سنتی و باورها و هنجارهای آن، بروز بیشتری پیدا کرد. شرایط ذهنی و عینی اصلاحات سیاسی - اقتصادی، کمرنگ گشته و صبغه و رنگ ایدئولوژیکی و دینی یافت که منجر به ایجاد نهادهای انقلابی گردید. چنین شرایطی؛ یعنی توقف روند مدرنیسم در ایران تا پایان جنگ در سال ۶۷ تداوم یافت؛ تا اینکه پس از جنگ، ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران شاهد تحولات شگرفی شد و پایان جنگ، توقعات مردم را نسبت به

سیستم افزایش داده بود. وعده‌های اقتصادی دولت، به تدریج ذهنیت جامعه را به سوی ۲۱۹ یک عقلانیت اقتصادی و فنی سوق داده بود.^{۱۶} در این حالت، جامعه در یک حالت آنومی گذار قرار گرفت و در نتیجه چالش و بحران، به عنوان ذات و ویژگی چنین جامعه‌ای بیشتر نمود یافت.

چالش‌های امنیتی در قالب شکاف‌های طبقاتی، اصلاحات اقتصادی، فضای نسبتاً باز سیاسی و سرمایه گذاری خارجی و... بروز یافت و افزایش انتظارات مردم و به تدریج کاهش امکانات و ثابت ماندن آن، باعث اعتراضات مردمی در برخی از شهرها؛ از جمله مشهد- اراک و شیراز گردید. فاصله نخبگان حکومتی با مردم در این دوره به علت ظهور فرهنگ اشرافی‌گری و تبار سالاری افزایش یافت و رانت خواری اقتصادی از آن زاده شد. فقدان دستگاه نظارتی در به کارگیری افراد واجد شرایط و متخصص، ضعف ساختار اقتصادی، دادن اختیارات فراوان به افراد، بالا بردن قدرت مانور متخلفین و... از جمله عواملی بوده‌اند که باعث ایجاد فضای رانت جویی و شکل‌گیری طبقه جدید اقتصادی و اجتماعی گردیده و منافع جامعه را با تاجران و شرکتهای خارجی عجین نمود.

در چنین شرایط و فضایی بود که تحولات اقتصادی و اجتماعی، سبب درگیری نخبگان در ساختار قدرت گردید و چالش جدی «دوالیسم قدرت» را شکل داد. گروه‌های حامی دولت مانند رفسنجانی، که به «کارگزاران» معروف بودند، در قبال گروه‌های سنتی؛ اعم از بازار، مجمع روحانیون مبارز، جامعه روحانیت مبارز و... موضع‌گیری می‌کردند، از این رو بیشتر نگاهها در این دوره به چالش‌های امنیتی داخلی؛ آن هم در سطح ساختار قدرت معطوف می‌شد. افراط‌گرایی سیاسی، بروز خشونت‌های سیاسی و نیز فضای کاذب سیاسی در دانشگاه‌ها و... ابعاد جدیدی به خود گرفت که از مقوله بحث ما خارج است.

۲. الگوی تعارض - امنیتی در قالب فروپاشی شوروی سابق و سایر مسایل منطقه‌ای فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ م. و ایجاد کشورهای مستقل مشترک المنافع در مرزهای شمالی ایران، باعث گسترش محیط امنیتی [با عنایت به ساختارهای اجتماعی و سیاسی هر یک از این کشورها] گردید. ورود گسترده مردم این مرز و بوم به

۲۲۰ مناطق شهری ایران، علاوه بر ایجاد مسایل امنیتی و اجتماعی، دارای بار اقتصادی و فرهنگی نیز بود و گهگاه مشکلات زیست محیطی و بهداشتی را نیز به همراه خود آورد؛ اما این موضوع، هرگز [تا به امروز] به بحران امنیتی و حتی یک تهدید مبدل نگردیده است.

از طرف دیگر، تضعیف شوروی و در نهایت فروپاشی آن، در حوزه امنیتی ایران، تأثیرات فراوان برجنگ گذاشت. خروج شوروی از افغانستان و عدم حمایت از عراق، باعث گسترش محیط امنیتی ایران در شرق و سپس غرب - پس از پایان جنگ با عراق - گردید. ظهور گروه طالبان و صف آرای آنها در مرزهای شرقی کشور، زنگ خطری برای ایران بود که با اقتدار نیروهای نظامی، چنین مشکلی هرگز به تهدید امنیتی مبدل نگردید. اما به هر حال محیط امنیتی را تحت تأثیر قرار دارد. مسئله عراق و حضور نیروهای آمریکا در منطقه خلیج فارس از جمله موارد دیگر است که محیط امنیتی و حوزه فعالیت آن را دو چندان نموده است و در آینده می‌توان به یک «بحران امنیتی» منجر گردد. از این رو سیاست امنیتی ایران باید ضمن شناخت بازیگران منطقه‌ای و با رویکردی واقع بینانه، منابع اصلی سیاست امنیتی و خارجی را شناسایی کند تا براساس آن تصمیم‌گیری گردد. زیرا؛ اصولاً سیاست امنیتی ایران چندان ساده نبوده و روندگرایش‌ها پراگماتیستی در سیاست خارجی و امنیتی ایران در حال تقویت و گسترش است و هنوز هم ایدئولوژی در پیشبرد این سیاستها نقش موثری ایفاء می‌کند، بنابراین، نمی‌توان میان سیاست امنیتی داخلی و خارجی ایران تفکیکی قائل شد و نظام تصمیم‌گیری، در کشور ما، گر چه آشوب زده است، اما آثار شیستی نیست، بلکه در مسائل عمده امنیتی قواعدی در نظام تصمیم‌گیری وجود دارد که سیال و غیر رسمی است.

بنابراین، تلفیق میان آنچه در جهان و منطقه حادث می‌شود و انطباق آن با سیاستهای امنیتی و سیاست خارجی، می‌تواند چالش جدی را رقم بزند که بدون در نظر گرفتن واقع‌گرایی منطقی و عدم انطباق با شرایط جدید، چنین روندی در آینده دور از انتظار تلقی نمی‌شود.

۳. الگوی تعارضی - امنیتی نرم‌افزاری در قالب تحولات اجتماعی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه ایران در یک حالت آنومی^{۱۷} قرار داشت، وقوع

جنگ و بسیج توده‌ها تا حدودی بحران هویت را رفع نمود و مشارکت توده‌ای مردم را نیز شکل داد. بسیاری از طبقات سنتی که در معرض تجدد و نوگرایی قرار گرفته بودند، احساس ناامنی و خطر کردند. جنگ نیز به فرایند تجدد ستیزی و ایدئولوژیک کردن فضای جامعه، کمک به سزایی نمود. از سوی دیگر، گسترش نهادهای دولتی و افزایش نقش نظارتی دولت پس از انقلاب، باعث گردیده بود که نفوذ سیستم در برخی عرصه‌های اجتماعی افزایش یابد و در نتیجه، سیستم سیاسی ابتدا بحران توزیع و نفوذ را حل نماید و سپس گروه‌ها و طبقات جدید سنتی را وارد عرصه نخبگان نماید. اما این دایره به تدریج به یک الیگارشی قدرت مبدل گردید که در این میان، روحانیون و طبقات متوسط سنتی (بازار) نقش مهمی را بر عهده داشت و نفوذ روستائیان و طبقات پایین شهری نیز در نهادهای دولتی و انقلابی (سپاه - جهاد و...) آنها را به تدریج وارد جرگه‌ی الیگارشی قدرت نمود، اما گسترش مراکز آموزشی، به ویژه دانشگاه آزاد اسلامی در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰ تحولات شگرفی را در طبقات اجتماعی، دگرگونی در خاستگاه خانواده‌ها و نیروهای اجتماعی و در نهایت تغییر گروه‌های مرجع بوجود آورد.

بسیاری از فرزندان طبقات پایین و طبقات متوسط شهری، با برخورداری از آموزش‌های عالی، خود را به عنوان یک موجودیت و هویت موثر اجتماعی مطرح نمودند. توسعه مراکز علمی، به ویژه گسترش دانشگاه آزاد به اقصی نقاط کشور و رشد وسایل ارتباط جمعی و ایده دهکده جهانی، افزایش کمی و کیفی نیروی جوان و بالنده دانشگاهی و... باعث گردید که نیروی دانشگاه از حالت پراکندگی به صورت جمعی ظهور پیدا کند و از یک طبقه «در خود» به یک طبقه «برای خود» تبدیل شود.^{۱۸}

ناتوانی دولت در سه کار ویژه خود سبب تحول و چرخشی در دوم خرداد ۷۶ گردید که این سه مورد عبارتند از:

(الف) ایجاد انسجام و وحدت میان طبقات سنتی و ما قبل سرمایه‌داری

(ب) جلوگیری از تشکل و انسجام نیروهای متعلق به طبقات مدرن

(پ) راهبرد بسیج توده‌ای شهری، جهت رسیدن به اهداف خویش

بنابراین «پس از انتخابات دوم خرداد، نیروهای که در گذشته دچار انفعال شده بودند یعنی بخش‌هایی عمده از نیروهای سنتی و نیز نیروهای متعلق به طبقات مدرن، با ظهور فرصت فعالیت، مشارکت و رقابت سیاسی به عرصه فعالیت سیاسی بازگشتند.

طی سالهای گذشته، پایگاه‌های حمایتی جدیدی برای دولت، در بین طبقات متوسط جدید، روشنفکران و بورژوازی مدرن در حال شکل‌گیری بوده است.^{۱۹} این طیف جدید در پی شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پس از انقلاب شکل گرفته و پایگاه اجتماعی متفاوت نظیر؛ چپ‌های انقلابی - دانشگاهیان و قشر عظیم جوانان و نسل دوم و سوم انقلاب و اصلاح طلبان طبقه متوسط جدید را در خود جای داده است که در این میان، طبقه متوسط شهری نقش اساسی ایفا می‌نماید.

در هر صورت به دنبال نوسازی اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر و همچنین سست شدن خاستگاه سنتی خانواده‌ها، زبان ارتباطی بین جامعه و دانشگاه ایجاد شده بود و این پل ارتباطی، عملاً جامعه را همراه خود وارد عرصه فعالیت نمود. بنابراین با توجه به چنین جریانی قبل از تحولات فوق (تا دهه ۷۰) اگر در این دوران الگوی رای‌گیری، گروه‌های مرجع به ترتیب، روحانیون، والدین و سپس جوانان جای می‌گرفتند، در این برهه زمان؛ یعنی ۱۳۷۱ - ۸۱ سیکل رای‌گیری به ترتیب؛ به سمت نخبگان دانشگاه و روحانیون، جوانان و خانواده (والدین) تغییر جهت داد.

عدم تبیین واقعی چنین وضعیت و تحولاتی، شکاف سنت و مدرنیته و به دنبال آن شکاف نسلها و در نهایت؛ شکافی فرهنگی ایجاد نموده است، که به نظر می‌رسد در آینده چنین شکافهایی به یک شکاف فعال و متقاطع تبدیل گشته و تمام محیط امنیتی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد. از طرفی ورود اندیشه‌های غیر بومی در قالب تبادلات فرهنگی و جهانی سازی و همچنین دیدگاه افراط گرایانه مذهبی و سیاسی، سبب گردید که باورها و هنجارهای ملی و بومی ذبح گشته و زمینه‌های ورود عناصر افراط‌گرا در درون حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را فراهم آورد. شکل‌گیری ناسیونالیسم افراطی و غیر دینی، تقویت قالبهای مذهبی با رویکرد پراگماتیستی، شیفتگی یک طرفه به تمدن غربی و... محصول چنین فرایندی خواهد بود.

در هر حال، تحولات نرم‌افزاری در سطح جامعه ایران چنان گسترده و عمیق است که سرعت شکل‌گیری آن از محیط‌های امنیتی خارج از مرزها، وسیع‌تر و سطح تأثیر گذاری آن، به مراتب عمیق‌تر می‌باشد. لذا عدم شناخت متغیرها و شاخصهای آن، توسط سیاست‌گزاران تصمیم ساز، [در عرصه سیاست امنیتی و خارجی]، آنها را دچار مشکل و چالش جدی خواهند نمود.

اصولاً چالش‌های امنیتی داخلی در وضعیت کنونی جامعه ایران، متأثر از سه سطح تحلیل یا برخورد می‌باشد. یکی ذهنیت و نگرش نخبگان به اوضاع اجتماعی ایران و دیگری ذهنیت و نگرش عموم مردم به ساختارهای قدرت و نهادهای اجتماعی و بالاخره سطح میانی که از آن به سرآمدان و فرهیختگان اجتماعی [نظیر؛ قشر جوان و نسل دوم و سوم انقلاب] تعبیر می‌کنیم که اینان نسبت به دو سطح تحلیل؛ یعنی ساختار قدرت (نخبگان) و فرهنگ عمومی جامعه (مردم) انتقاداتی دارند. نگرش هر یک از این سه سطح از تحلیل به نوبه خود، چالش‌ها، تهدیدات و در نهایت بحران‌های امنیتی متفاوتی را به همراه خود می‌آورد. مثلاً دو الیسم نخبگان در درگیریهای سیاسی و جناحی در سطح اول؛ سیاست‌زدگی و گرایش‌های شورش‌گرایانه در سطح دوم و گرایش‌های پراگماتیستی و آرمان‌گرایانه که در نهایت به بحران‌های اجتماعی مانند فرار مغزها، جنبش‌های اجتماعی و... مبدل می‌شود در سطح سوم؛ از جمله این چالش‌هاست که به اختصار اشاره‌ای به آن می‌نماییم بنابراین، شناخت متغیرها و شاخص‌های امنیتی در جامعه امروز ایران، متأثر از این عوامل بوده و هست. در ضمن قبل از اینکه به چالش‌های این سه سطح تحلیل نگاهی بیفکنیم، لازم است بدانیم در مبحث آسیب‌شناسی امنیتی، اصولاً یک سری قواعد عمومی وجود دارد که موقعیت نامساعد ژئوپلیتیکی ایدئولوژی‌های معاند، عدم ثبات اجتماعی، عقب ماندن از رقبای منطقه‌ای در بُعد اقتصادی، اتکای اقتصادی و نظامی به کشور خاص، فقر بیکاری و فساد و... از جمله این موارد قلمداد می‌شود که ما در بخش آتی با توجه به گرتة بردای از این شاخص‌ها، در سه سطح تحلیل (نخبگان، مردم و لایه میانی) به نقد و بررسی خواهیم گذاشت و در مورد آسیب‌شناسی امنیت در سطح بین‌الملل که باید روابط ایران و آمریکا و همچنین اتحادیه اروپا و سایر بازیگران اقتصادی و سیاسی آن را بررسی کنیم، به نوشتاری جداگانه موكول می‌نماییم.

■ آسیب‌شناسی امنیتی در سطح نخبگان

۱. بسته بودن دایره نخبگان
۲. عدم وحدت نظر نخبگان در باب مسائل مختلف از جمله: توسعه و وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری

■ آسیب‌شناسی امنیتی در سطح مردم:

۱. فقر و شکاف طبقاتی
 ۲. بی‌تفاوتی سیاسی و حرکتهای گریز از مرکز
- ## ■ آسیب‌شناسی امنیتی در سطح لایه میانی (دانشگاهیان، جوانان و...)
۱. فرار مغزها
 ۲. بیکاری

آسیب‌شناسی چالشهای امنیتی در سطح نخبگان

۱. بسته بودن گردش نخبگان

باز بودن دایره نخبگان و اینکه افراد مختلف با گرایشات مختلف بتوانند در ساختار قدرت نقش ایفا نمایند، یکی از پارامترهای توسعه یافتگی سیاسی در هر کشوری است. در جامعه‌شناسی سیاسی کسانی که معتقد به «الیتسیم» هستند، اصولاً گردش نخبگان را صرفاً در سطح بالا (میان روباه و شیر به تعبیر پاره تو) معنا و مفهوم می‌کنند.^{۲۰} در حالی که جریان گردش نخبگان، فرایندی است دو طرفه، [از بالا به پایین جامعه، و بالعکس] زیرا در غیر این صورت ممکن است در سطح جامعه شاهد تورم و انباشته شدن نخبگان بود، اما گردش نخبگان به انسداد دچار شده باشد.

طی تحقیقی که در خصوص کابینه‌های دولت پس از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته نشان داده شده است که در بیشتر منصبها و پست‌ها، حدود ۵۰هالی ۶۰ نفر در حال گردش هستند که گهگاه، پست و عنوان تغییر پیدا می‌کند که قابل تأمل می‌باشد.^{۲۱} اما فشارهای اجتماعی در طول چند سال اخیر سبب شده که به‌طور نسبی دایره نخبگان باز گردد؛ اما شواهد همچنان بر بسته بودن آن صحه می‌گذارد.

بسته بودن دایره نخبگان از آن جهت چالشهای جدی امنیتی ایجاد می‌کند که اپوزسیون‌های قانونی را به فعالیتهای غیررسمی و حتی برخوردهای فیزیکی کشانده و طرد نخبگان (علی‌رغم تورم نخبگان در سطح جامعه) و در نهایت به فرار مغزها و عدم انتقاد سازنده در سطح ساختار قدرت و ایجاد شکاف دولت - ملت، کاهش اعتماد و انگیزه‌سازی و بالاخره عدم مشروعیت و بحرانهای مقبولیت، نفوذ، توزیع و... منجر خواهد شد.

تصمیم‌گیری

همان‌طور که قبلاً گفتیم، سیاست امنیتی ایران متأثر از چند متغیر می‌باشد که یکی از آنها، عدم وحدت نظر تصمیم‌سازان در باب سیاست‌های کلان امنیتی در اثر وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری است. وجود نگرش‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی باعث گردیده است که در مسایل مختلف اجتماعی، اجماع نظر وجود نداشته باشد به طوری که در مورد توسعه درون‌زاد بومی نیز، میان نظریه‌پردازان جهان سوّم، نظرات متعددی وجود دارد. در این باره، عده‌ای دولت را موتور محرکه اصلی توسعه در نظر گرفتند و به نوعی «دولت توسعه‌گرا» را ترسیم می‌نمودند؛ در این میان متفکرانی بودند که جامعه را اصل می‌دانستند. به هر حال با عنایت به ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران، نخبگان و به تبع آن دولت، به عنوان موتور محرکه‌ی توسعه شناخته می‌شود. علت اینکه نخبگان را بعنوان لوکوموتیو توسعه در ایران در نظر می‌گیریم این است که در کشورهای جهان سوّم، از جمله ایران؛ که در گذشته، ثبات سیاسی نداشته و تجربه آزادی و وجود احزاب را به شکلی موفق پشت سر نگذاشته‌اند انتظار یک جانبه از توسعه سیاسی مانند آزادی احزاب و...، پیامدی به جز تشتت و تشنج در جامعه، نخواهد داشت از این رو اجماع نظر اولیه در سطح نخبگان، شرط اولیه توسعه درون‌زا و بومی است. بنابراین با توجه به استراتژی «مهندسی تدریجی اجتماعی» که در آن نخبگان مهمترین عنصر محسوب می‌شود، به این امر تاکید شده است که ذهنیت نخبگان جامعه و اصلاح آن، می‌تواند بزرگترین خدمت در جهت توسعه باشد، زیرا ذهنیت هیئت حاکمه و نخبگان در جهان سوم، اصل غیرقابل برگشت و موثر در توسعه محسوب می‌شود و تازمانی که فرهنگ نخبگان این امر را نپذیرد که جنگ قدرت و عدم وحدت رویه در مسایل مختلف، زمینه‌ساز چالش‌های مهم امنیتی و اجتماعی مانند دوالیسم قدرت، تضعیف اقتدار ملی، نفوذ عناصر فرصت‌طلب و... به همراه خود می‌آورد، هرگونه تلاش و کوشش در جهت توسعه امنیتی، بیهوده و عبث خواهد بود.

۲۲۶ آسیب‌شناسی امنیتی در سطح عموم جامعه

۱. فقر و شکاف طبقاتی

تهدیدهایی که امروز به خاطر آسیب‌پذیریهای اقتصادی به وجود می‌آید کاملاً واقعی و حیاتی تلقی می‌شود. در واقع ثبات سیاسی و امنیت ملی کشورها، تا حدود زیادی به حفظ مردم در مقابل حوادث و مخاطرات اقتصادی وابسته است.

بی‌تردید فشارها و تنگناهای اقتصادی می‌تواند تنشهای اجتماعی درون کشورها را دامن بزند و ثبات سیاسی و امنیتی آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. در واقع معضلات اقتصادی از قبیل فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد و تبعیض متغیرهایی هستند که بر امنیت ملی تاثیر دارند. درباره علل و عوامل بروز فقر در کشور - اعم از نسبی و مطلق^{۲۲} - مطالب گوناگونی به رشته تحریر درآمده است. اما آنچه که به این مقاله مربوط می‌شود وجود فقر نسبی و مطلق، و نیز پیامدهای ضد امنیتی آن در ایران است.

طبق آمار رسمی، روزانه کمتر از ۰/۲۲ کیلو کالری انرژی به ده میلیون نفر از مردم می‌رسد که این آمار نشان‌دهنده فقر مطلق در این دسته از مردم است. به عبارتی ده میلیون ایرانی (۱۵٪ جمعیت)، در فقر مطلق بسر می‌برند.

براساس آمار رسمی، ۲۵٪ مردم کشور در فقر نسبی^{۲۳} هستند، با این وصف، در مجموع، فقرای مطلق و نسبی جمعیت کشور به ۴۰ درصد می‌رسد که جای بسی تأمل و تاسف دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. بی‌تفاوتی سیاسی و حرکت‌های گریز از مرکز:

سیاست‌زدگی در سطح جامعه در طول چند سال اخیر، بسیار نگران‌کننده است. کاهش حضور مردم در انتخابات مختلف می‌تواند تبعاتی چون بحران مقبولیت و نفوذ را به همراه خود داشته باشد. این امر زمانی به یک چالش امنیتی تبدیل می‌شود که رقبای منطقه و جهانی؛ بویژه آمریکا، سیستم سیاسی ایران را سیستمی غیردموکراتیک معرفی نموده‌اند که باید سمت‌وسویی دموکراسی پیش برود و حال آنکه بی‌تفاوتی سیاسی چنین اتهاماتی را سرعت و تثبیت می‌نماید.

از طرف دیگر، فقدان یک هویت ملی و اتحادساز در اثر کاهش قدرت ملی، عدم پاسخگویی سیستم به تقاضاها، ضعف ساختاری و... موجب حرکت‌های گریز از مرکز -

در قالب جنبشهای محلی و قومی - در ایران می‌گردد و خواه ناخواه چالش امنیتی ۲۲۷ اساسی را رقم خواهد زد.

آسیب‌شناسی امنیتی در سطح سرآمدان اجتماعی یا لایه‌های میانی

نقش نیروی جوان و خیل عظیم زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در عصر کنونی، بر هیچ‌کس پوشیده نیست به طوری که گروه‌های مرجع سنتی را دچار تحول ماهوی کرده و بعنوان یک گروه مرجع، تأثیرات فراوانی را در ساختارهای اجتماعی و سیاسی گذاشته است. اما این نسل نوپا (که حدود ۷۰٪ جمعیت کشور را در برمی‌گیرد) با مشکلات فراوانی نظیر بیکاری، ازدواج، مسکن و حل مسایل طبیعی و جنسی خود مواجه هستند و این چالشهای اجتماعی، به عرصه‌های امنیتی و سیاسی کشانیده شده است به طوری که اکثر صاحب‌نظران، دهه ۸۰ و ۹۰ در ایران را، «دهه جنبشهای اجتماعی» که در آن نسل جوان نقش اساسی را ایفاء خواهد کرد، معرفی نموده‌اند.

بدیهی است، شناخت معضلات و مشکلات این قشر عظیم جامعه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این قشر، چالشهای متفاوتی چون چالش سنت و مدرنیسم، دین و سیاست و چالشهای فرهنگی (ملّی‌گرایی) شکاف جنسی و نسلها و... را به عرصه نقد گذاشته است. لذا همه‌ی این شاخص‌ها می‌تواند در چالشهای امنیتی ایران، حرف اول را بزند. پس ما در این بخش، صرفاً به دو چالش مهم این نسل یعنی؛ بیکاری و فرار مغزها اشاره خواهیم کرد.

۱. فرار مغزها

آمارهای رسمی و غیررسمی ارائه شده در خصوص وسعت و دامنه پدیده فرار مغزها در ایران گویای این واقعیت است که امروزه جریان خروج نیروی انسانی متخصص و برخوردار از سرمایه انسانی بالا و بسیار کارآمد همچون اساتید دانشگاهها؛ پزشکان، پژوهشگران، مهندسان و... به صورت یک معضل سیاسی اقتصادی و اجتماعی در کشور درآمده، و بیم‌ها و نگرانی‌های زیادی را در کشور برانگیخته است. هر چند که آمار رسمی فرار مغزها توسط مراکز رسمی و معتبری ارائه نشده و این نه به آن دلیل است که چنین آماری جزئی از اسرار نظامی و اقتصادی یا سیاسی، بلکه تنها به خاطر

۲۲۸ بُعد فاجعه آمیز بودن آن است. مطالعات صورت گرفته توسط صندوق بین الملل پول نشان می دهد که در بین کشورهای جهان، ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالی را دارد.

آمارها نشان می دهد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مجموع ۱۷۶ مدال آور و المپیادهای علمی جهان، تعداد ۱۶۳ نفر آنان اکنون در کشور حضور ندارند. پیش بینی شده است که ۷۰ هزار دانشجوی ایرانی در دوره دکترا در کشورهای غربی مشغول به تحصیل هستند وزیر مهاجرت کانادا - که کشورش ۷۵۰۰ نفر ایرانی را به میزبانی پذیرفته است - چنین مهاجرت‌هایی را مثبت ارزیابی کرده و اعلام نموده است که این فرآیند ۷/۵ میلیارد دلار درآمد ارزی برای کانادا به ارمغان آورده است.

براساس آمار جدید سازمان ملل، حدود ۲۴۰ هزار نفر ایرانی دارای تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می کنند و طبق آخرین بررسی انجام شده حدود یک هزار و ۸۲۶ عضو هیئت علمی تمام وقت و رسمی در دانشگاه‌های آمریکا و کانادا تدریس می کنند که این تعداد با احتساب استادان نیمه وقت، به حدود ۵۰۰۰ نفر می رسد.

بر همین اساس، ایرانیان عضو هیئت علمی دانشگاه‌های آمریکا حدود یک هزار و ۸۲۶ نفر؛ شامل ۶۳۰ نفر متخصص علوم اجتماعی، ۱۱۵ نفر رشته ریاضی، ۶۷ نفر استاد سیستم‌های اطلاعاتی و رایانه، ۲۱۶ نفر متخصص علوم پایه و پزشکی بوده‌اند. بنابراین صادرات مغز از کشور بالغ بر ۲۸ میلیارد دلار برآورد شده است و این در حالی است که درآمد سالیانه کشور از محل صادرات نفت، تقریباً بین ۱۲ تا ۱۳ میلیارد دلار در نوسان است. این آمارهای وحشتناک باید مسئولین امر را به خود بیاورد تا احیاناً جامعه ایران به چالش «فقر نخبگان» دچار نشود.

۲. بیکاری

شاید هیچ معضلی در اقتصاد به اندازه پدیده بیکاری، برای ملتی رنج آور نباشد و متأسفانه امروزه اقتصاد ایران دچار چنین معضلی است که تمامی حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی را تحت تاثیر قرار داده است.

در شرایط کنونی کشور ما با توجه به جوان بودن جمعیت و شرایط خاص که ناشی از باروری بالا در دهه ۱۳۵۵ و ۶۵ و در نتیجه نرخ رشد فوق العاده زیاد جمعیت در این

سالهاست، پدیده مهمی تحت عنوان متورم شدن جمعیت در سنین بالقوه فعالیت (۶۴ - ۲۲۹ - ۱۵ ساله) مواجه هستیم که جویای کار هستند.

در حال حاضر ارقام بیکاران کشور بین ۲/۷ تا ۴ میلیون نفر، تخمین می‌زنند و اگر بیکاران پنهان را به این رقم اضافه نمائیم، تعداد بیکاران به مراتب وسیع‌تر خواهد بود. براساس همین پیش‌بینی‌ها، دولت باید سالانه ۷۵۰/۰۰۰ شغل و فرصت شغلی جدید در کشور ایجاد نماید، چرا که میزان رشد بیکاری در کشور در سال ۷۵ را که حدود ۹ درصد بود و در سال ۷۹ به ۱۴۲ و هم اکنون نیز به بین ۲۰ تا ۲۳ درصد تخمین زده می‌شود.

بنابراین امروز ما شاهد سرگردانی و بلاتکلیفی بخش عظیمی از جمعیت فعال کشور هستیم بیکاری نیز از بدترین پدیده‌ها، در هر اجتماع انسانی است و این امر می‌تواند به چالش جدی امنیتی و اجتماعی در دهه‌های آتی دامن زند.

نتیجه‌گیری

چالش‌های امنیتی با عنایت به محیط‌های متغیر امنیتی در حال دگرگون شدن است. ج.ا. ایران با پیروی انقلاب اسلامی خویش، محیط امنیتی داخلی و منطقه‌ای را دچار تحول اساسی نمود و نگاه جهانیان را به خود جلب کرد. در این میان سیاست‌های امنیتی ایران بنابر اقتضا و فضای عمومی جامعه، ترسیم و تدوین گردید. نگاه سخت‌افزاری به امنیت در دوران پس از پیروزی انقلاب امری اجتناب‌ناپذیر بود، تا اینکه تحولات اجتماعی پس از پایان جنگ یکباره، رویکردهای نرم‌افزاری و میان‌رشته‌ای را تقویت نمود و این امر با تغییر در گروه‌های اجتماعی از یک سو و تحول ساختاری از سوی دیگر همراه بود به طوری که اکثر صاحب‌نظران و دولتمردان به این نتیجه رسیده بودند که امنیت، صرفاً با نبود یک تهدید خارجی میسر نمی‌شود بلکه، عدم درک صحیح از واقعیات اجتماعی و مقاومت در برابر تحولات اجتماعی و سیاسی، خود می‌تواند به یک تهدید امنیتی تبدیل گردد از این رو توان پاسخگویی سیستم به تقاضا، نهادینه کردن نهادهای مدنی و رواج فرهنگ نقد و نقدگرایی، حل مشکلات معیشتی و اقتصادی و... از جمله عوامل بازدارنده ضد امنیتی محسوب می‌شود.

بنابراین چالش‌های امنیتی آینده، از این رهگذر خواهد بود. تحولات نرم‌افزاری در

۲۳۰ طول دهه‌های اخیر، باعث تقویت گفتمان ایجابی در مقوله امنیت شده است که باید به‌طور جدی و با برنامه‌ریزی صحیح؛ ابتدا به مدیریت بحران، و سپس مهار و کنترل آن اقدام شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در این مقاله هر جا که اصطلاح «ج.ا.ایران» آورده می‌شود منظور جمهوری اسلامی ایران است.
۲. علی آقا بخشی و مینو افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، (تهران، چاپار، ۱۳۷۹) ص ۲۸۰.
۳. محمد رضا تاجیک، «قدرت و امنیت در عصر پسا - مدرن» فصلنامه گفتمان، سال اول، شماره صفر (بهار ۱۳۷۷): ۱۱۳.
۴. افتخاری، اصغر. «سیاست امنیتی ایران» فصلنامه دفاعی - امنیتی، سال نهم، شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۸۱): ص ۱۰.

5. Negative Discourse

6. positive Discourse

۷. سازمان چریکی‌های فدایی خلق، با حدود ۳۰۰ شورای روستایی و تقریباً ۱۵ هزار نفر از اعضای روستا در ترکمن صحرا تشکیل گردید. به نقل از:

Heleh Afshar (*An Assessment of Agricultural Development policies in Iran*) in Heleh Afshar.ed. Iran a Revolution in Turmoil-75-76

۸. در اسفند ماه ۱۳۵۷ یعنی یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های کُرد دست به شورش زدند و به پادگانها حمله نمودند. دولت بازرگان با اعزام نمایندگان، خواستار توقف شورشها گردید اما گروه‌های کُرد خواستار خود مختاری کردستان و الحاق سه استان دیگر شامل آذربایجان غربی، ایلام و کرمانشاه به آن بودند. در فروردین ۱۳۵۸ سندج در اختیار شورشیان قرار گرفت و در خرداد ۱۳۵۸ یک شورای موقت انقلابی تشکیل گردید. شهرهای مریوان، نقده، بوکان و پاوه به سرعت در اختیار شورشیان قرار گرفت تا اینکه با فرمان حضرت امام (ره) و رشادت نیروهای ارتش و سپاه، شورش مهار گردید و با آغاز جنگ در ۳۱ شهریور ۵۹ مسأله کردستان، جنبه ثانوی به خود گرفت و برخی از آنها با کمک دولت عراق، علیه ایران به فعالیت پرداختند.

- جهت مطالعه بیشتر در مورد اسناد و مدارک رک به:

چپ در ایران، به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد اول (تهران: ۱۳۷۸).

۹. با وقوع انقلاب اسلامی که اقتدار دولتی تضعیف شده بود، ظهور چند سازمان سیاسی در بلوچستان آغاز گردید. «حزب اتحاد مسلمین» به رهبری مولوی عبدالعزیز علانزاده؛ که نماینده اهل سنت در مجلس نیز بود در فروردین آذر ماه ۱۳۵۸، به دلیل اینکه شیعه دین رسمی معرفی شده بود، شرکت ننمود. حوادث آذرماه ۱۳۵۸ در زاهدان و در اعتراض به قانون اساسی، از دیگر چالشهای امنیتی در این دوره بود. از دیگر سازمانهای این دوره، «سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان»؛ به رهبری مهندس رحمت حسین بود که سعی در احیای زبان بلوچی داشت، «کانون سیاسی - فرهنگی خلق بلوچ» که بیشتر دانشجویان در آن فعالیت داشتند و همچنین «جبهه آزادیبخش بلوچستان»؛ به رهبری رحیم زودگوی از جمله این تشکیلات بود - جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به: نرجس براهویی، «سرزمین و فرهنگ مردم

بلوچستان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱ (پاییز ۱۳۷۸).

۱۰. جان دی استمپل، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، (تهران: رسا، ۱۳۷۷)، ص ۳۰۷.
۱۱. تعداد گروگانها ۵۳ نفر بود که بین ۱۹ تا ۶۳ سال سن داشتند.
۱۲. جهت مطالعه بیشتر رک: حمید رضا ظریفی نیا، *کالبد شکافی جناحهای سیاسی در ایران*، (چاپ سوم، تهران: آزادی اندیشه‌ها ۱۳۷۸).
۱۳. پایگاهی که نام شهید نوژه، در همدان نام گذاری شده بود، فردی از تبار شهیدان که در جنگ‌های کردستان به شهادت رسیده بود و اکنون نام وی در ذهن بسیاری از همافران نیروی هوایی زنده است.
۱۴. حمله به ایران جهت آزادی گروگانها، با شرکت ۹۰ نفر نیروهای ویژه منتخب از میان نیروهای چهارگانه، هشت چرخبال نیروی دریایی و ۶ هواپیمای سی - ۱۳۰ حمل و نقل نیروی هوایی ترکیب یافته بود. عملیات پس از نوزده ۱۲۰۰ کیلومتر به درون خاک ایران، در ۴۸۰ کیلومتری شرق و جنوب شرقی تهران، در اولین قدم ملغی گردید. کمبود تجهیزات، کارتر را مجبور کرد تا عملیات را ناتمام بگذارد. برای اجرای مرحله دوم نجات، دست کم شش دستگاه چرخبال مورد نیاز بود که یکی از چرخبال‌ها، مجبور به بازگشت شده بود و دیگری نیز مجبور به فرود اضطراری گردید و قادر به ادامه پرواز نبود و سومین چرخبال به فرودگاه اصلی رسید، اما بدون تعمیران لازم قدرت پرواز نداشت؛ چرا که قطعات یدکی آن در اولین چرخبال که بازگشته بود، به جا مانده بود تنها پنج فروند چرخبال باقی مانده بود که به طور کامل کار آمد بودند. هنگام مانور برای عقب نشینی از محل خود - که یک فرودگاه متروک در نزدیکی طیس بود - یکی از چرخبال‌ها هنگام پرواز، با هواپیمای تانکر سی - ۱۳۰ که هنوز روی زمین نشسته بود برخورد کرد و ۸ نفر از افراد کشته شدند. عقب نشینی با شتاب انجام شد. تمام افراد باقی مانده در یک هواپیمای سی - ۱۳۰ سوار شدند و پشت سرخود، جسد ۸ کماندو، ۴ چرخبال [که به عمد خراب شده بود] و ستونی از آتش بر جای گذاشتند.
۱۵. در مورد علل و عوامل ایجاد جنگ و پیامدهای آن رک: منوچهر محمدی. «علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی» *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۲۰ (دی ماه ۱۳۷۲): ۲۷۲-۲۴۹.
۱۶. حسین امانیان، «چشم اندازی به انقلاب و اصلاحگری در ایران امروز»، *فصلنامه انقلاب اسلامی*، سال اول شماره صفر (زمستان ۱۳۸۰): ۸۲.
۱۷. آنومی اصطلاحی است که امیل دورکهایم جهت بیان وضعیت جوامع در حال گذار به کار برده است، که در آن هنجارها، ارزشها و... همواره در معرض نقد و تغییر قرار دارد و جامعه در حالت بی‌شکل آماده هنجار شکنی و سنت شکنی است.
۱۸. امانیان، حسین. «نگاه تطبیقی جریانهای سیاسی - اجتماعی ایران بعد انقلاب به مقوله توسعه سیاسی». پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم ۱۳۷۷-۷۸.
۱۹. حسین بشیریه، *انتخابات سال ۷۶ از چشم انداز مبارزات طبقاتی در ایران* (تهران: علوم نوین، ۱۳۷۸) ص ۸۳.
۲۰. حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، (تهران: نشرنی، ۱۳۷۸)، ص ۶۹.
۲۱. حمیدرضا ظریفی نیا، *کالبد شکافی جناحهای سیاسی در ایران* (تهران: آزادی اندیشه ۱۳۷۸)، صفحه جداول
۲۲. جهت مطالعه بیشتر در مورد فقر نسبی و مطلق رک: فاطمه بابایی، *تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاریهای اجتماعی*، (تهران انتشارات کویر، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۴.
۲۳. فقر نسبی، شامل خانوادهایی است که ماهانه درآمدی کمتر از ۱۳۲ هزار تومان (در سال ۸۰) و در

کتابنامه

۱. آقابخش، علی؛ افشاری راد، مینو. فرهنگ علوم سیاسی. (تهران: انتشارات چاپار، ۱۳۷۹).
۲. تاجیک، محمدرضا. «قدرت و امنیت در عصر پسامدرن»، فصلنامه گفتمان، سال اول؛ شماره صفر (بهار ۱۳۷۷).
۳. افشاری، اصغر. «سیاست امنیتی ایران»، فصلنامه دفاعی - امنیتی، سال نهم، شماره ۳۳، (زمستان ۱۳۸۱).
4. Heleh Afshar "An Assessment of Agricultural Development Policies in Iran" in Heleh Afshar.cd. Iran a Revolution in Tumoil_ 75 _ 76.
 ۵. چپ در ایران، به کوشش مرکز بررسی اسناد تاریخی، جلد اول، (تهران: ۱۳۷۸).
 ۶. برامویی، نرجس. «سرزمین و فرهنگ مردم بلوچستان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۰ پاییز ۱۳۷۸.
 ۷. استمپل، جان ری. درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، (تهران: رسا، ۱۳۷۷).
 ۸. ظریفی نیا، حمیدرضا. کالبد شکافی جریانهای سیاسی در ایران، (تهران: آزادی اندیشه، ۱۳۷۸)
 ۹. امانیان، حسین. «نگاه تطبیقی جریانهای سیاسی بعد از انقلاب به مقوله توسعه سیاسی»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، نیمسال دوم ۷۸ - ۱۳۷۷.
 ۱۰. محمدی، منوچهر. «علل و عوامل پروژ جنگ تحمیلی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۰، (دی ماه ۱۳۷۲).
 ۱۱. امانیان، حسین. «چشم اندازی به انقلاب و اصلاحگری در ایران امروز»، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره صفر، زمستان ۱۳۸۰:
 ۱۲. بشیریه، حسین. انتخابات سال ۷۶ از چشم انداز مبارزات طبقاتی در ایران، (تهران: علوم نوین، ۱۳۷۸).
 ۱۳. بشیریه، حسین. جامعه شناسی سیاسی، (تهران: نشرنی، ۱۳۷۸).
 ۱۴. بابایی، فاطمه. تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاریهای اجتماعی، (تهران: کویر، ۱۳۸۰).